

انسان شناسی دینی

منشأ انسان، تحول او، هدف از آفرینش، عهد و مسؤولیت او، ریشه در اندیشه های انسان شناختی دارد که از بدو خلقت انسان و در ادیان مختلف مورد بحث است.

انسان که میان دو بی نهایت است، از یک سو آن چنان می تواند پرواز کند که از **ملک** برتر شود و پا به عرش گذارد؛

طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت بدرای تا ببینی طیران آدمیت

و از سوی دیگر آن چنان سقوط نماید که حتی شایسته نام حیوان نباشد.

انسان کیست؟ چیست؟ جایگاه او در نظام خلقت کجاست؟ مقصد و منتهایش چیست؟ فلسفه ی آفرینش او چه می باشد؟ کمال او در چیست؟ ... و هزاران سؤال دیگر که آدمیان را به خود مشغول می دارد. آنان که در پی رسیدن به ره منزل سعادت می باشند و بودن را تصادفی و بدون معنا نمی دانند، همواره در پی دریافت پاسخ به سر می برند.

شناخت انسان؛ یعنی شناخت استعدادها و توانایی های او، شناخت غایت و کمال او و شناخت راه سعادت او.

انسان در لغت، از ماده انس به معنای قرب و ظهور است و انسان را انسان نامیده اند؛ زیرا قوام و دوامی برای او نیست؛ مگر در انس و نزدیکی بعضی با بعض دیگر.

این واژه ۶۵ بار در قرآن مجید به کار رفته است، که مراد از آن جسد و صورت ظاهری نمی باشد، آن چنانکه در بشر مراد است، بلکه باطن و نهاد و استعداد و انسانیت و عواطف او در نظر است.

ویژگی های انسان شناسی دینی

انسان شناسی دینی در مقایسه با دیگر انواع خود امتیازهای ذیل را دارا است:

جامعیت؛ انسان شناسی دینی، از دستاورد و حیانی که محدود به قلمرو خاصی نیست، سود می جوید و ابعاد مختلف انسان را اعم از جسمانی و زیستی، تاریخی، فرهنگی، دنیوی و اخروی، فعلی و آرمانی و مادی و معنوی بررسی می نماید؛ و حال آن که انواع دیگر انسان

شناسی (فلسفی، تجربی، عرفانی، فرهنگی و...) زمینه ای خاص را مورد نظر دارد.

ب. اتقان و خطاناپذیری؛ انسان شناسی دینی که از معارف و حیانی و متصل به علم لایزال الهی سرچشمه گرفته و از هرگونه تحریف در امان مانده باشد، اتقان و استحکام دارد و هیچ گونه خطایی در آن راه نمی یابد، ولی دیگر انواع انسان شناسی که از داده های تجربه، تعقل، یا سیر و سلوک به دست می آید، خطاپذیر است.

ج. توجه به مبدء و معاد؛ در انسان شناسی غیر دینی، انسان را بریده از مبدء و معاد مورد بررسی قرار می دهند، مانند: انسان شناسی تجربی و برخی نطه های انسان شناسی فلسفی و عرفانی. و چنانچه از مبدء و معاد سخن به میان آید، راهگشای چگونه زیستن و چگونه پیمودن راه کمال نیست.

در انسان شناسی دینی، مبدء و معاد به عنوان دو بخش اساسی از مراحل زندگی انسان مورد توجه قرار می گیرد.

د. بینش ساختاری و رابطه ی ساحت های مختلف در وجود انسان؛ در انسان شناسی دینی، رابطه ی ساحت های جسم و جان مادی و معنوی، بینش و گرایش و تأثیر و تأثر هر یک بر دیگری مورد توجه قرار می گیرد، ولی در انسان شناسی عرفانی، تجربی، فلسفی ... این ساحت ها مورد غفلت قرار می گیرد، یا به گستردگی انسان شناسی دینی مورد توجه قرار نمی گیرد

اگرچه انسان شناسی دینی با توجه به ویژگی های مذکور، از امتیازات خاصی برخوردار است، لکن شناسایی موجودی پیچیده، همانند انسان را نمی توان منحصر در یک یا دو روش نمود، بلکه در شناخت انسان به روش ها و ابزار مختلف نیاز است.

و خداوند متعال نیز می فرماید: (وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ)؛ و در خود شما؛ پس مگر نمی بینید؟ بدون شک انسان اعجوبه عالم هستی است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛ کسی که خویش را بشناسد، خدایش را شناخته است. آری خودشناسی در تمام مراحل، راه خداشناسی است.

مقصود از شناخت نفس نیز فقط شناخت هیكل جسمانی و قوای طبیعی و اصل و نسب نیست، بلکه کسی که مخلوقیت و مربوبیت خود را شناخت و خود را آیت وجود حق تعالی و مظهر صفات الهی دانست، به قدر دلالت وجود خویش و معلوماتش، خدای خود را نیز خواهد شناخت

انسان در اسلام

انسان در جهان بینی اسلامی داستانی شگفت دارد. انسان اسلام تنها یک حیوان مستقیم القامه که ناخنی پهن دارد و با دو پا راه می‌رود و سخن می‌گوید نیست و **انسان و حیوان** یکی نیستند

قرآن انسان را مدحها و ستایشها کرده و هم مذمتها و نکوهشها نموده است. عالی‌ترین مدحها و بزرگترین مذمتهای قرآن درباره انسان است، او را از آسمان و زمین و از فرشته برتر و در همان حال از دیو و چهار پایان پست‌تر شمرده است. از نظر قرآن انسان موجودی است که توانایی دارد جهان را مسخر خویش سازد و فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد، و هم می‌تواند به "اسفل سافلین" سقوط کند. این خود انسان است که باید در باره خود تصمیم بگیرد و سرنوشت نهایی خویش را تعیین نماید.

سخن خویش را از ستایشهای انسان در قرآن تحت عنوان "ارزشهای انسان" آغاز می‌کنیم.

ارزشهای انسان

انسان خلیفه خدا در زمین است

روزی که خواست او را بیافریند ، اراده خویش را به فرشتگان اعلام کرد . آنها گفتند :

آیا موجودی می آفرینی که در زمین تباهی خواهد کرد و خون خواهد ریخت ؟

او گفت : من چیزی می دانم که شما نمی دانید " بقره / . ۳۰) .

" اوست که شما انسانها را جانشینهای خود در زمین قرار داده تا شما را در مورد

سرمایه‌هایی که داده است در معرض آزمایش قرار دهد " انعام / . ۱۶۵ .

ظرفیت علمی انسان بزرگترین ظرفیتهایی است که یک مخلوق ممکن است داشته باشد

" تمام اسماء را به آدم آموخت (او را به همه حقایق آشنا ساخت) .

آنگاه از فرشتگان (موجودات ملکوتی) پرسید : نامهای اینها را بگوئید چیست .

گفتند : ما جز آنچه تو مستقیما به ما آموخته‌ای نمی دانیم (آنچه را تو مستقیما به ما

نیاموخته باشی ما از راه کسب نتوانیم آموخت) .

خدا به آدم گفت : ای آدم ! تو به اینها بیاموز و اینها را آگاهی ده .

همینکه آدم فرشتگان را آموزانید و آگاهی داد ، خدا به فرشتگان گفت :

نگفتم که من از نهانهای آسمانها و زمین آگاهم (می دانم چیزی را که حتماً نمی دانید) و

هم می دانم آنچه را شما اظهار می کنید و آنچه را پنهان می دارید ؟ "

(بقره / ۳۱ - ۳۳)

او فطرتی خدا آشنا دارد

به خدای خویش در عمق وجدان خویش آگاهی دارد . از سرشت اصلی انسان یا همان فطرت انسان

" هنوز که فرزندان آدم در پشت پدران خویش بوده (و هستند و خواهند بود) خداوند (با زبان آفرینش) آنها را بر وجود خودش گواه گرفت و آنها گواهی دادند " (اعراف / ۱۷۲).

" چهرهء خود را به سوی دین نگه دار ، همان که سرشت خدایی است و همهء مردم را بر آن سرشته است " (روم / ۴۳).

در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد ، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد .

انسان ترکیبی است از طبیعت و ماورای طبیعت ، ماده و معنی ، جسم و جان . به عبارت دیگر روح بعد غیر مادی انسان است

" آن که هر چه را آفرید نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد ، سپس نسل او را از شیرهء کشیده‌ای که آبی پست است قرارداد ، آنگاه او را بیاراست و از روح خویش در او دمید " (سجده / ۷ - ۹)

آفرینش انسان، آفرینشی حساب شده است ، تصادفی نیست . انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است

" خداوند آدم را بر گزید و توبه‌اش را پذیرفت و او را هدایت کرد " (طه / ۱۲۱) .

او شخصیتی مستقل و آزاد دارد ، امانتدار خداست ، رسالت و مسؤولیت دارد ، از او خواسته شده است با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند

آزادی و اختیار انسان لازمه مسؤولیت اوست " همانا امانت خویش را بر آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم ، همه از پذیرش آن امتناع ورزیدند و از قبول آن ترسیدند ، اما انسان بار امانت را به دوش کشید و آن را پذیرفت . همانا او ستمگر و نادان بود " (احزاب / ۷۲)

" ما انسان را از نطفه‌ای مرکب و ممزوج آفریدیم تا او را مورد آزمایش قرار دهیم ، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم . همانا راه را به او نمودیم ، او خود یا سپاسگزار است و یا کافر نعمت . یا راه راست را که نمودیم خواهد رفت و به سعادت خواهد رسید و یا کفران نعمت کرده ، منحرف می‌گردد.

" (دهر / ۳)

او از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی بر خوردار است ، خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است

" همانا ما بنی آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را بر صحرا و دریا (خشک و تر) مسلط کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری دادیم (اسراء / ۷۰)

او از وجدانی اخلاقی برخوردار است ، به حکم الهامی فطری زشت و زیبا را درک

می کند

" سوگند به نفس انسان و اعتدال آن ، که ناپاکیها و پاکیها را به او الهام کرد (شمس / ۸ و ۹) . "

او جز با یاد خدا با چیز دیگر آرام نمی گیرد . خواستههای او بی نهایت است ، به هر چه برسد از آن سیر و دلزده می شود مگر آنکه به ذات بی حد و نهایت خدا بپیوندد

" هماناتنها بایاد او دلها آرام می گیرد " (رعد / ۲۸)

" ای انسان ! توبه سوی پرورد گار خویش بسیار کوشنده هستی و عاقبت او را دیدار خواهی کرد " (انشقاق / ۶) .

نعمتهای زمین برای انسان آفریده شده است . رابطه انسان و دنیا

دراسلام به درستی تعریف شده است

" همانا اوست که آنچه در زمین است برای شما آفرید " (جاثیه / ۱۳) .

" آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مسخر او قرار داده است (پس او حق بهره گیری مشروع همهء اینها را دارد "

او را برای این آفرید که تنها خدای خویش را پرستش کند و فرمان او را بپذیرد پس او وظیفه اش اطاعت امر خداست

" همانا جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند "

(ذاریات / ۵۶)

او جز در راه پرستش خدای خویش و جز با یاد او خود را نمی‌یابد، و اگر خدای خویش را فراموش کند خود را فراموش می‌کند و نمی‌داند که کیست و برای چیست و چه باید کند و کجا باید برود

" همانا از آنان مباشید که خدا را فراموش کردند و خداوند خودشان را از یاد خودشان برد " (حشر / ۱۸)

او همینکه از این جهان برود و پرده تن که حجاب چهره جان است دور افکنده شود، بسی حقایق پوشیده که امروز بر او نهان است بروی آشکار گردد

" همانا پرده را کنار زدیم ، اکنون دیده‌ات تیز است " (ق / ۲۲)

او تنها برای مسائل مادی کار نمی‌کند ، یگانه محرک او حوایج مادی زندگی نیست

او احیانا برای هدفها و آرمانهایی بس علی می‌جنبد و می‌جوشد . او ممکن است که از حرکت و تلاش خود جز رضای آفریننده ، مطلوبی دیگر نداشته باشد مجموعاً موجب حرکت انسانها می شوند. **مجموعه‌های از نیازهای مادی و معنوی**

" ای نفس آرامش یافته ! همانا به سوی پرورد گارت باز گرد با خشنودی متقابل : تو از او و او از تو خشنود " فجر / ۲۸ "

خداوند به مردان و زنان با ایمان باغها وعده کرده است که در آنها نهرها جاری است ، جاویدان در آنجا خواهند بود و هم مسکنهای پاکیزه ، اما خشنودی خدا از آن است رستگاری بزرگ " همهء اینها برتر و بالاتر است. توبه / .

۷۲



بنابر آنچه گفته شد از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند ، خلیفه و جانشین او در زمین ، نیمه ملکوتی و نیمه مادی ، دارای فطرتی خدا آشنا ، آزاد ، مستقل ، امانتدار خدا و مسؤول خویشتن و جهان ، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان ، ملهم به خیر و شر ، و جودش از ضعف و ناتوانی آغاز می شود و

به سوی قوت و کمال سیر می کند و بالا می رود اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی گیرد ، ظرفیت علمی و عملی اش نا محدود است ، از شرافت و کرامتی ذاتی بر خوردار است ، احیانا انگیزه هایش هیچ گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد ، حق بهره گیری مشروع از نعمتهای خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خودش و وظیفه دار است .

ضد ارزشها

ددرعین حال ، همین موجود در قرآن مورد بزرگترین نکوهشها و ملامتها قرار گرفته است

"او بسیار ستمگر و بسیار نادان است " احزاب / ۷۲

" او نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است " حج / ۶۶

"او آنگاه که خود را مستغنی می بیند طغیان می کند " علق / ۷

"او عجول و شتابگر است " اسراء / ۱۱

" میخواند او هرگاه به سختی بیفتد و خود را گرفتار ببیند ، ما را در هر حال همینکه

گرفتاری را از او بر طرف کنیم گویی چنین حادثه ای پیش نیامده است " یونس / ۱۲

انسان زشت است یا زیبا ؟

چگونه است ؟ آیا انسان از نظر قرآن یک موجود زشت و زیباست ، آن هم زشت زشت و زیبای زیبا ؟

آیا انسان یک موجود **دو سرشتی** است : نیمی از سرشتش **نور** است و نیمی **ظلمت** ؟

چگونه است که قرآن ، هم او را منتها درجه مدح می کند و هم منتها درجه مذمت ؟ !

شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد " ایمان " است . از ایمان ، تقوا و عمل صالح و کوشش در راه خدا بر می خیزد.به وسیله ایمان است که علم از صورت یک ابزار ناروا در دست نفس اماره خارج می شود و به صورت یک ابزار مفید در می آید.علم و ایمان دو ابزاری است که لازم و ملزوم یکدیگرند.

پس انسان حقیقی که خلیفه الله است ، مسجود ملائکه است ، همه چیز برای اوست و بالاخرش دارنده همه کمالات انسانی است ، انسان بعلاوه ایمان است ، نه انسان منهای ایمان . انسان منهای ایمان ، کاستی گرفته و ناقص است . چنین انسانی حریص است ، خونریز است ، بخیل و ممسک است ، کافر است ، از حیوان پست تر است .

سخن آخرین

انسان موجودی چند بعدی و پیچیده است که شناسایی دقیق او بررسی همه جانبه نیاز دارد .

- روش دینی، با توجه به تعالیم و حیانی و الهی به آدمی می نگرد و به دلیل اتصال به علم لایزال الهی از جامعیت کامل برخوردار است و منحصر در قلمرو خاص نمی باشد و از اتقان و استحکام کافی برخوردار است و خطا در آن راه ندارد، و در بینش ساختاری آن رابطه ی تمام ابعاد وجودی انسان مورد توجه قرار دارد

بنابراین پرداختن به انسان شناسی دینی و مبتنی بر قرآن کریم، اساسی ترین وظیفه هر انسان مسلمان، آگاه و هوشمند است؛ که شناختی کامل و واقعی از خویشتن بیابد چرا که رسالت انسانی انسان زمانی آغاز می شود که شناخت کامل گردد.



دبیرستاناموحد

جامعه به انسان :

۱- روشنفکر خداپرست وموحد نیاز دارد نه روشنفکر سکولار

۲-قانع وفروتن

۳-امل گرا (آرزوپرداز) در سایه وحدانیت

۴- صبر وتامل ومصائب را بپذیرد وثروت اندوزی کند

تهیه کننده: یوسف مدالی

موسس وصاحب امتیاز دبیرستان غیردولتی موحد

شورای آموزشی-اداری دیماه ۹۰